



### نکته مهم درباره عظمت انسان، شناخت خطا و جبران آن است

غلامحسین ابراهیمی دینانی با بیان اینکه معصوم کسی است که خداوند او را از ارتکاب خطا حفظ می‌کند،

غلامحسین ابراهیمی دینانی با بیان اینکه معصوم کسی است که خداوند او را از ارتکاب خطا حفظ می‌کند، اما اگر هدایت خاص خدا نباشد، انسان به حسب ذات امکان ارتکاب خطا را دارد، اظهار کرد: نکته مهم در مورد عظمت انسان این است که او خطا می‌کند، اما توانایی دارد که به خطای خود پی ببرد و می‌تواند جبران کند. اگر انسان خطا کند و سپس جبران کند، راه هدایت به روی او باز شده است.

به گزارش ایکن؛ غلامحسین ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه در برنامه شب گذشته معرفت که از شبکه چهارم سیما پخش شد بیان کرد: دو واژه اختیار و خطا، واژگانی هستند که باید روی آن‌ها تأمل کرد. انسان دارای اختیار است و گاهی هم خطا می‌کند. البته به استثنای معصومین (ع) بقیه انسان‌ها امکان خطا دارند و اگر هم خطا نکنند، امکان خطا کردن در آنها وجود دارد. همچنین انسان اختیار هم دارد. اختیار از باب افتعال است و ثلاثی مجرد آن نیز خیر است. اختیار به معنای طلب خیر کردن و خیر را برگزیدن است و آدمی که اختیار می‌کند، خوبی را برمی‌گزیند. بنابراین اختیار به معنای برگزیدن خیر است.

وی تصریح کرد: شکی نیست که انسان همیشه خوبی را می‌خواهد و می‌کوشد که خوبی را انتخاب کند، اما با این حال، ممکن است که خطا کند و چه بسا بد را از روی اشتباه انتخاب کند که به آن خطا می‌گویند. حتی آن‌ها که بدی می‌خواهند، نیز بدی را خوب می‌دانند و گاهی شهوتشان اقتضا می‌کند که می‌گویند که فلان کار بد، خوب است. بنابراین انسان همیشه به دنبال خوبی می‌رود، اما در عین حال، ممکن است که اشتباه کند. مسئله عمیق خطای انسان

دینانی افزود: خطای انسان بسیار مسئله عمیقی است. انسان خطاکار است و در جهان مسیحیت و فرهنگ مسیحی می‌گویند که انسان بالذات خطاکار است، اما در جهان اسلام و تعالیم اسلامی می‌گویند که انسان خطا می‌کند، اما خطا کردن او بالعرض است و خطا عارض بر او می‌شود. در اسلام خطاکاری به معنای ترک واجب و یا انجام حرامی است، اما در مسیحیت می‌گویند که هبوط انسان خطاست.

وی بیان کرد: بنابراین در اسلام خطا جنبه عرضی دارد و می‌شود که نباشد و یکی از ادله عصمت همین است و چون خطا عارضی است، امکان مرتکب نشدن خطا وجود دارد، اما در آموزه‌های مسیحی، عصمت معنا ندارد، چون به حسب ذات خطا کار است. همچنین بین هبوط و سقوط آدم نیز تفاوت‌هایی قائل شده‌اند. اینکه می‌گوییم که آدم هبوط کرد، یعنی از ملکوت به ملک آمد، اما در عبارت سقوط، مفهوم پایین انداختن وجود دارد. البته برخی‌ها معتقدند که این دو یکی هستند، اما برخی هم قائل به بدتر بودن سقوط شده‌اند که در اینجا به بحث آن نمی‌پردازیم.

دینانی تصریح کرد: بنابر اینکه خطا عارضی باشد، انسان مرتکب خطا می‌شود که از روی شهوات و خواسته‌های نفسانی است و اینها که خطا می‌کنند اسیر نفس هستند و یا حتی می‌تواند دلایل خواسته‌های نفسانی نباشد، اما انسان اشتباه کند. آدم مؤمن و عاقل کسی است که گرفتار شهوات نفسانی نیست، اما ممکن است که اشتباه کند. اشتباه نیز از باب افتعال است و ثلاثی مجرد آن شبه است. وجه تسمیه اشتباه نیز این است که چیزی را به چیزی شبیه می‌دانیم که شبیه آن نیست. مثلاً کاری می‌کنیم که فکر می‌کنیم خوب است، اما چیز را به چیزی که شبیه نیست، شبیه دانسته ایم. هدایت خاص معصوم

وی افزود: انسان غیرمعصوم ممکن است خطا و اشتباه کند و اشتباه نیز نوعی خطا است. معصوم (ع) نیز کسی است که خداوند او را از ارتکاب خطا حفظ می‌کند، اما اگر هدایت خاص خدا نباشد، انسان به حسب ذات امکان ارتکاب خطا را دارد. نکته مهم در مورد عظمت انسان این است که او خطا و اشتباه می‌کند، اما توانایی دارد که به خطا و اشتباه خود پی ببرد و آگاه شود که خطا کرده و می‌تواند جبران کند. اگر انسان خطا کند و سپس جبران کند، راه هدایت به روی او باز شده است؛ لذا انسان قدرت تشخیص خطا را دارد که با عقل این را تشخیص می‌دهد.

دینانی تصریح کرد: همچنین باید توجه داشت کسی که خطا کرده، با اختیار خطا کرده است. اگر انسان مطلقاً اختیار نداشت، خطا و اشتباه هم معنا نداشت. دیوار، دریا و ... که خطا نمی کنند. حیوان نیز اگر خطا می کند، این ما هستیم که می گوئیم خطا کرده است، اما خود او متوجه خطای خود نیست. همچنین نکته دیگر این است که بینیم خطا برای اختیار است یا چیزی که منشأ اختیار محسوب می شود. به حسب ظاهر، اختیار خطا می کند و چیزی که نباید انتخاب کند را برمی گزیند و چیزی که باید اختیار کند را ترک می کند.

تفاوت انسان در داشتن مسئولیت

وی افزود: اما مسئله دیگر این است که خطا را به اختیار نسبت می دهیم و حرفی در این ندارم که شخصی که گناه می کند با اختیار است، اما ولو به اختیار گناه و ثواب می کند، چرا اختیار می کند؟ اگر از شما بپرسند چرا اینجا نشستید چه می گوئید؟ می گوئید که آگاه بودم باید کاری کنم و براساس آگاهی انتخاب کنم. پس با اختیار آمدید، اما اختیار شما با آگاهی بوده است. بنابراین، نقش آگاهی مهم تر از اختیار است که می شود، منشأ اختیار. پس انسان با اختیار خطا یا ثواب می کند، اما منشأ این اختیار آگاهی است. انسان با اختیار خوب و بد را مرتکب می شود، اما خوب و بد را آگاهی می فهمد. در حقیقت این عقل است که می فهمد فلان چیز خوب یا بد است.

این چهره ماندگار فلسفه گفت: نکته دیگر این است که انسان موجود است. اما تفاوتش با دیگر موجودات این است که مسئولیت وجود داشتن را بر عهده دارد. بنابراین وجود داشتن با مسئولیت، مهم است نه صرف وجود داشتن.